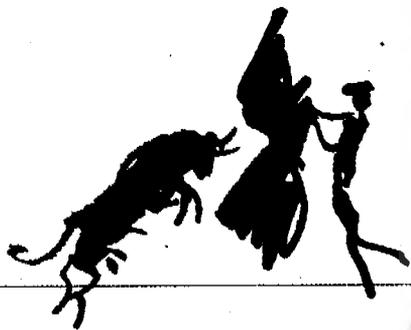


معروفترین تفاسی قرن بیستم The most famous painting in 20 century

مرتمی بختیاری



شکاه علوم انسانی و مطا

سال جامع علوم انسانی



چنگنده‌هایی در ارتفاع کمی به پرواز درآمده بودند تا مردم عادی را که به مزارع پناه می‌بردند، با مسلسل دراز کند. دیرینه گذشته که سراسر گرنیکا، غیر از بدای تاریخی نگارند، به آتش کشیده شد. پیکاسو در کمتر از یک هفته نقاشی اش را آغاز کرد، او قبلاً از طرف دولت جمهوری اسپانیا مأموریت یافته بود که برای غرقه‌ی اسپانیا در بازار نگاره‌ی پاریس یک نقاشی دیواری

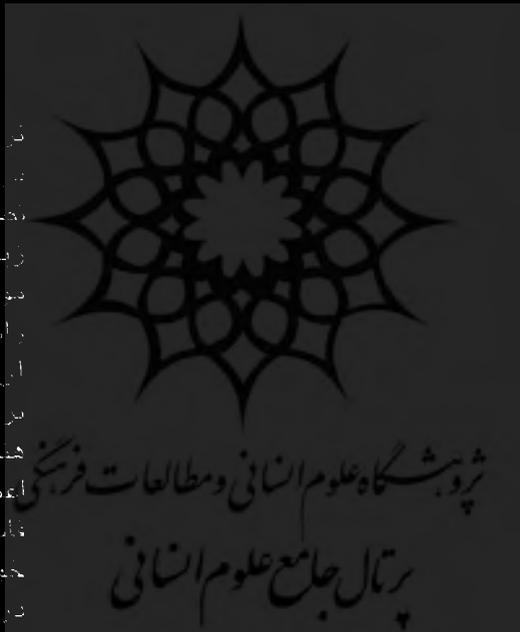
بابلو رونیس پیکاسو فرزند خوزه رونیس بلاسکو و ماریا پیکاسو لوبر در ۱۶ اکتبر ۱۸۸۱ در سالانکا واقع در جنوب اسپانیا به دنیا آمد. پدرش، دون خوزه، نقاشی بود که در مدرسه صنایع و هنرهای ریبا طراحی تریس می‌کرد. پیکاسو برای رقابت با پدر، از سنین پایین شروع به کشیدن طرح‌هایی کرد که از نظر تریس، خطوط و قدرت خارج‌العاده‌ی دید و تحلیل قابل توجه بودند.

اشاره: در شماره بی قبل، نگاهی داشتیم به تابلوی «جمیع اثر ایزارد موتش (۱۸۶۲ - ۱۹۱۱)، تروزی پینر و در سبک اکسپرسیونیسم، که به دفعات دستمایه‌ی آثار کاریکاتوریمست‌ها قرار گرفته است. در این شماره، نگاهی داریم به تابلوی «گرنیکا» اثر بابلو پیکاسو که یکی از رویدادهای سید هنری در قرن بیستم بوده است.



در ۲۶ آوریل ۱۹۳۷، شهر گرنیکا (واقع در ایالت باسک) با ۱۰ هزار نفر جمعیت به وسیله‌ی بمب افکن‌های آلمانی که برای کمک به ژنرال فرانکو به پرواز درآمده بودند، به نابودی کشیده شد. مجله «تایم» در آن زمان ماجرای بمباران را این گونه بیان کرد: «گرنیکا، قدیمی‌ترین شهر باسکی‌ها و مرکز سنت فرهنگیشان، دیروز بعداز ظهر توسط مهاجمان هوایی شورشی به طور کامل به نابودی کشیده شد. بمباران شهر که در فاصله‌ی زیادی از خطوط جنگی انجام گرفت، دقیقاً سه ساعت و ربع به طول انجامید و در خلال آن یک اسکادران نیرومند از هواپیماها بلا وقفه بمب‌هایی را با وزن‌هایی حدود ۵۰ کیلوگرم روی شهر فرو ریختند. در همین اثنا،

در سیر تکاملی و فلسفی در شاه زمان
در سلسله‌های اسلامی و سنی و
مکتب تشویق و تحریک و تحریک
زیادتی میان مردم کرده اند این اثر
مذاهب جدید به اعتقاد او از بی‌اعتقاد و
استغرابیان بود که در معنی دیگر به
این آموزش برداشته و علی رغم این
برخوردها، این مکتب مشهورترین اثر
هنرمی قرن بیستم شد. اثری که
اعرابی دائم علیه برنده خوبی
فلسفه به طور احسان و فلسفه
خود بر بازی به دست آمده است
در هشتم و نهم و دوازدهم یک حکایتی
و طراحی و به شیوه ارائه چشمی
یک صفحه و فلسفه شده است
مستطیل بود، او این مکتب که نشان
دهنده فلسفه یا افسانه ای بود که این
را رویا و گفتار است که می‌تواند و
استکارا کتا بکاوی می‌تواند بود او در
این طراحی همه چیز را به دست آورد
سنگره امیر طراحی کرده و فقط به
صورت اشغال و بیکر جمهوری
کاوی و اسب بالدار را به یاد تسخیر
نگرفته بود.
بیکسو همان روز کار را بر روی
صفحه ی دوم که این هم شامل ۹
مستطیل بود، شروع و فقط یکی را



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بسیاران کریبکا نمایش رسوایی ارتش
قوی در مقابل مردمان غیر نظامی و
پاندمی بی دفاع بود.
واکنش پیکاسو در مقابل این واقعه
واکنش اخلاقی بود.
یکی از مشکلاتی که پیکاسو در موقع
کشتن برده بی کریبکا با آن روبرو
بود، محدودیت‌های مابین بود که قبل از
این، اساس و بنیان زبان هنری او را
تشکیل می داد. این عمل برای
دستیابی مستقیم تر و ساده تر به
طبیعت و رهایی از قید و بندهای
گذشته برای روبرویی با تراژدی ای
که می خوانست، به نمایش بکار آمد.
لازم و ضروری بود، باید پرسید
چرا پیکاسو در این لحظه حیاتی به

کامل کرد و دو تابلو دیگر را روز بعد
تکمیل نمود. او بی ازتوسیم، کریبکا
۶۷قطعه دیگر را کشید. در این مستند
نیز مانند صفحات قبل، طرح وسط
نابلو اقدام کاوی بود که در تاریخ ۹
ژانویه کشیده شده بود.
ژانویه، فوریه، مارس و میس تر او ریل
هم سپری شده بود. ولی پیکاسو هنوز
مأموریت خود را به انجام نرسانده بود.
به نظری امد او الهامات لازم را
دریافت نکرده است و نمی تواند
موضوع نمایشی را برای برده بی خود
پیدا کند. سرانجام در ۱۶ ژانویه ۱۹۳۷
بود که پیکاسو افکن های تاریخی به دستور
ژنرال فرانکو، شهر کریبکا را بمباران
کردند و اولین بمباران بی دفاع بود.
تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۳۷ در تاریخ
برونل، ۱۶ ژانویه ۱۹۳۷ میل و
روزنامه «موسو» از «جوان پاریس» در
۱۳۰۰ میل، این حادثه را با گزارش
هایی خبرنگاران خود پوشش دادند و
پیکاسو، در اول ماه سپتامبر طرح ها
و ترسیمات تاریخ دار خود را درباره بی
این موضوع خلق کرد.
چرا زانویه، کریبکا، نمایش با سیار
رسانه عمدتاً نامی است. پیکاسو را
این چنین تحت تاثیر قرار داد. ۸ ماه
بعد که جنگ سراسر اسپانیا را فرا
گرفته بود و برده بی بی زهانی از کون
برای دفاع از مادرید در خدمت بود که
تاریخ و احساسات هنر کش را بیسی
انگیزت همچنین در ۲۸ فوریه، قوای
فرانکو به شهر سالانکا، زادگاه پیکاسو
وارد شده بودند. ولی هیچ یک از این
حوادث الهام بخش پیکاسو نبودند. پس
تفاوت این حوادث با بسیاری کریبکا چه
بود؟
در این جا یک اختلاف فاحش خودنمایی
می کند. جنگ در سرزمین اراگون،
دفاع از مادرید و سقوط سالانکا بخش
هایی از یک مبارزه و برادر کشی ملی
بود که به احتمال قوی پیکاسو آن را
تنگر او را و کریبکا یافته بود. ولی



در آغاز، پیکاسو قصد داشت توسط این دو حیوان به ترتیب مردم اسپانیا و فاشیسم را ارائه دهد. در حقیقت، فقط تصویر اسب است که مشکل زاست. او اسب رایابه صورت طنز آمیز و یا با طعنی بچه گانه و یابه صورتی نفرت انگیز و یاسرانجام در ساده ترین شکلش نشان می دهد. سپس لحظه ای فرا می رسد که تنفر غم انگیز از اسب و بازگشت پیکاسو به جوانیش. او را تحت تاثیر قرار داده. و طرح های قدیمش را بی مصرف و دگرگون می کند و باعث ناهماهنگی باموضوع می شود. حالا دیگر پیکاسو از علائم و نشانه ها استفاده نمی کند و اندام هایی لخت و بدون تزیین می کشد. ولی در نهایت، اسب و گاو - دو حیوانی که برای اسپانیا بسیار آشنا - در تابلو نقش مهمی را پیدا می کنند.

با این وجود، طرح های اولیه نشانی از ویژگی های تصاویر نهایی تابلو را در خود ندارند. حتی طرح های شماره ی ۱۵ که در تاریخ ۹ مه کشیده شده و از نظر تاریخ بسیار با تابلو نهایی نزدیک است، اثری از شیوه های ترکیبی که در طرح نهایی به چشم می خورد، ندارد بنابراین، پرده ی دیواری نهایی کاملا با طرح های اولیه متفاوت است، هم از نظر اندازه (۳/۲۹۴ در ۶/۷۷۶ سانتی متر) و (ابعاد طرح های اولیه تقریباً مربع بودند) و هم به لحاظ شیوه ی بیان.

با استناد به عکسی که دوراما از طرح های اولیه برداشته است، طرح ها در مرحله ی اول بسیار بزرگ ترند. اگر چه این طرح ها باقلم مو کشیده شده اند، ولی در هر صورت طرح هستند. به هر حال در این زمان پیکاسو سحر و جادویی شایان توجه از خود نشان داد. او تمام گذشته ی خود رابه عنوان یک نقاش به کار گرفت و در خدمت نیازهای زمان قرار داد. ممکن است تصور گردد با چنین عملی، پیکاسو نه تنها در خلق شیوه ای جدید موفق نبوده، بلکه به عقب بازگشت کرده است. ولی او تمایل داشت که شایسته



جای ارائه و خلق شیوه ای نو در هنرش، به گذشته باز می گردد؟ چرا او هم چنانکه بارها در گذشته انجام داده بود، این بار الهاماتش را در قالبی کاملا نو قرار نداد؟ پاسخ به این سؤالات این فرضیه را ثابت می کند که در آن لحظات تاریخی، برای پیکاسو انگیزه های اخلاقی و معنوی مهم تر و سنگین تر از ملاحظات زیبایی شناسی بودند. احساس انزجار و تنفیری که در این زمان پیکاسو را احاطه کرده بود، چنان عمیق بود که مانع از تفکر او برای ابداع شیوه ی جدید در کارش می شد.

گرنیکا نشانگر مسئله ی تعهد هنری و هنر متعهد اصیلی است که جستجو آن در جایی دیگر بیهوده است. برداشت پیکاسو از این بمباران و ترسیم آن، هر دو پاسخ درستی به این مسئله بوده است. ولی در هر حال، پیکاسو هنوز محدود به نشانه ها و علائمی بود که از طریق آن ها شخصیتش را نشان می داد. زیرا طرح هایی که او در اول ماه مه کشید، هنوز علائمی از آن زبان کنایه آمیز و استهزا گر را در خود داشت و پیکاسو سرانجام به تدریج و به سختی توانست خود را از قید آن ها برهاند. مقایسه ی میان گاو و اسب این کوشش رانمایان می سازد.





مراحل اولیه کار بر روی «گرنیکا»، که توسط دوامار در پاریس در استودیوی پیکاسو واقع در خیابان گراندا گوستن عکسبرداری شده است. قبل از اتمام تابلو، پیکاسو تغییرات وسیع و گسترده‌ای در آن داد.

بازوها، زن، شبیه اسب و زنی که چراغ نفتی به دست دارد. و نکته‌ی دیگر تابلو نیز که نیاز به بحث و استدلال دارد، این است که چگونه پیکاسو توانست میان عوامل نامتجانس مانند رئالیسم، کوبیسم، سوررئالیسم، کرویزم و پایه کوله هماهنگی و حتی وحدت ایجاد کند؟ چگونه استفاده از چنین شیوه‌ی مخلوط و درهمی، منجر به خلق هیولایی دهشتناک نشد؟ جواب این است که پیکاسو با علاقه و شعله‌های درونی الهاماتش موفق شد که چنین عوامل نامتجانس و حتی متضادی را مانند آتشی که در حرارت خیلی بالا می‌تواند بیش‌تر مواد متغییر را ذوب کند، درهم بیامیزد.

این تجزیه و تحلیل کوتاه از شکل‌گیری و مشخصات ظاهری پرده‌ی «گرنیکا» رانمی‌توان بدون در نظر گرفتن ارتباط خازق‌العاده‌ی آن با زندگی مدرن که این اثر هنری را بیش‌تر قابل تعمق می‌کند، به پایان رساند.

منابع:

پیکاسو سخن می‌گوید، نوشته‌ی دراشتن، ترجمه‌ی محسن کرامتی، تهران، نگاه، ۱۳۶۳

شکست و پیروزی پیکاسو، نوشته‌ی جان برگر، ترجمه‌ی محمد رضانی، تهران، شباهنگ، ۱۳۶۴

تقویم تاریخی آثار پیکاسو و «گرنیکا» از مجله پیام یونسکو، شماره ۱۲۰، آذر ۱۳۶۲



نقاشی عاری از پرسپکتیو، عاملی اند که به این اثر وحدت و یکپارچگی کامل می‌بخشند. در تابلوی تمام شده، پیکاسو از تضاد میان اسب و گاو چشم پوشیده، برای تمام موجودات تابلو یک طالع پیش‌بینی می‌کند، طالع یک قربانی! ولی عامل دیگری که در ابتدا مختص اسب بود، از بین نرفته است. در حقیقت، اسب به داخل پرده‌ی نقاشی و مقابل دیدگان مانفوذ کرده است.

چنانچه ما «گرنیکا» را با لغاتی ملموس‌تر تجزیه و تحلیل کنیم، در می‌یابیم که تصویر در پایین بسته، در طرفین محدود و در بالا باز است. تقریباً تمام عواملی که در طرح پرده به کار رفته‌اند، به نحوی در خلق نقاط خالی بالای تابلو موثرند. دم و شاخ گاو،

ترین امکاناتش را در خدمت قربانیان این حادثه قرار دهد و به‌ترین چیزی را که می‌توانست به جبران قتل عام گرنیکا اهدا کند، گذشته‌اش به عنوان یک نقاش بود. با این وجود کاملاً روشن است اگر مراحل تکاملی گذشته‌ی پیکاسو وجود نداشتند و اگر آن‌ها ثمره‌ی آزادی مطلق نبودند، هرگز «گرنیکا» به بار نمی‌نشست. پس نه تنها آزادی و هنر متعهد ناقض یکدیگر نیستند، بلکه مکمل و مبین یکدیگر هم هستند. بنابراین پیکاسو بامهارتی شایان که تنها در حد شایستگی جادوگرانه است، که در خلق «گرنیکا» از بیان دو شیوه‌ی رئالیستی و عوامل دوره‌ی آبی و آخرین تجربیاتش در مکتب سوررئالیسم و سبک ساده استفاده کند. استفاده از شیوه‌ی کوبیسم و